

Research Paper
DOR:

Comparative Literature and Translation in the Arab World

Touraj zinivand¹, Rouzhin Naderi²

(Received:2021.06.04, Accepted:2021.09.20)

Abstract

One of the influential influences on the spread and advancement of comparative literature in the Arab world has been the translation of the works of European theorists and thinkers in the field of comparative literature or the translation of comparative applied examples into Arabic or vice versa; Recognition and introduction of works and translators is the main purpose of this descriptive-analytical research. The findings also show that the translation of European thinkers' works from English, French and German into Arabic has played a significant role in the growing trend of comparative literature in the Arab world, especially in Egypt. These translations can be divided into two categories: theoretical and applied research. On the other hand; Just as the translation of the works of European writers and thinkers has been effective in spreading comparative Arabic literature, the translation of the works of Arabic scholars into Persian or vice versa, albeit small, is considered useful and effective in promoting and disseminating this knowledge among Arabs and Iranians. However, the basic findings of this study indicate that most translations have been made in French and English at the beginning of the study, and that this has led to the knowledge of comparative literature in the Arab world constantly centered on the French school of comparative literature. Do; In recent decades, however, the translation of the works of American school thinkers into comparative literature has not been ineffective in changing the tastes of Arab scholars.

Keywords: Comparative Literature, Translation, Arabic Literature, French and American Schools

¹ . Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah- Iran (corresponding author) Email: t_zinivand56@yahoo.com.

² . Post-doctoral student of Arabic language and literature, Faculty of Literature and Humanities, Razi University, Kermanshah-Iran. Email: rn.razi110@gmail.com.



مقاله پژوهشی

DOR:

ترجمه و ادبیات تطبیقی در جهان عرب

تورج زینی وند^۱، روزین نادری^۲

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۵)

چکیده

یکی از جریان‌های تأثیرگذار بر گسترش و ارتقای دانش ادبیات تطبیقی در جهان عرب، ترجمه آثار نظریه‌پردازان و اندیشمندان اروپایی عرصه ادبیات تطبیقی یا ترجمه نمونه‌های کاربردی تطبیقی به زبان عربی یا بالعکس بوده است؛ شناخت و معرفی آثار و مترجمان، هدف اصلی این پژوهش توصیفی-تحلیلی است. یافته‌های پژوهش نیز گواه آن است که ترجمه آثار اندیشمندان اروپایی از زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و آلمانی به زبان عربی، نقش بسزایی در گسترش جریان رو به رشد ادبیات تطبیقی در جهان عرب، به ویژه در مصر، داشته است. این ترجمه‌ها، در دو بعد نظری و پژوهش کاربردی، قابل تفکیک و دسته‌بندی است. از سوی دیگر؛ همان‌طور که ترجمه آثار نویسندگان و اندیشمندان اروپایی در گسترش ادبیات تطبیقی عربی مؤثر بوده است، ترجمه آثار پژوهشگران عربی به فارسی یا بالعکس (هر چند اندک) نیز در معرفی و گسترش این دانش در میان عرب‌ها و ایرانیان، سودمند و تأثیرگذار تلقی می‌گردد. به هر حال، یافته اساسی و بنیادی این پژوهش، بیانگر آن است که در آغاز امر، بیشتر ترجمه‌ها از زبان‌های فرانسوی و انگلیسی صورت گرفته است و همین امر سبب گردیده است که دانش ادبیات تطبیقی در جهان عرب پیوسته با محوریت مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی حرکت نماید؛ هر چند در چند دهه اخیر، ترجمه آثار اندیشمندان مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی در تغییر ذائقه پژوهشگران عرب بی‌تأثیر نبوده است.

کلید واژگان: ادبیات تطبیقی، ترجمه، ادبیات عربی، مکتب فرانسوی و آمریکایی.

^۱ استاد، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه- ایران (نویسنده مسول) ایمیل: t_zinivand56@yahoo.com

^۲ دانش آموخته پسا دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه- ایران. ایمیل: rn.razi110@gmail.com



۱. مقدمه

۱-۱. تعریف موضوع

ارتباط ادبیات تطبیقی با ترجمه و مباحث مرتبط با آن، موضوعی گسترده، پیچیده و تا حدودی چالش برانگیز است؛ ترجمه از دیرباز تا کنون، یکی از ابزارهای اساسی داد و ستد فرهنگی و زمینه‌ساز تأثیرپذیری و تأثیرگذاری بین‌المللی و در تعبیری «تغییر و دگرگونی فرهنگی»^۱ بوده است. در حقیقت، ترجمه؛ به عنوان پل، واسطه و «میانجی»^۲ داد و ستد فرهنگی به شمار می‌آید: «نقش ترجمه به مثابه واسطه در تعاملات و دادوستدهای فرهنگی انکارناپذیر است. ترجمه، نقش مهمی در انتقال مفاهیم، مضامین، نهضت‌ها و انواع ادبی از فرهنگی به فرهنگ دیگر دارد» (انوشیروانی، ۱۳۹۱: ۱۷). حتی برخی بر این باورند که سنگ‌بنای ادبیات تطبیقی بر بنیاد ترجمه استوار است: «ترجمه بی‌تردید از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری ادبیات تطبیقی به معنای امروزی آن است؛ چرا که اگر متون ترجمه نشده نبودند، اصولاً امکان‌آشنایی ملت‌ها با ادبیات و زبان دیگر ملت‌ها فراهم نمی‌شد» (محسنی‌نیا، ۱۳۸۹: ۹۶) پژوهشگرانی که به بررسی سیر تاریخی تحولات ادبیات تطبیقی می‌پردازند، هرگز نمی‌توانند از نقش ترجمه به عنوان عاملی کلیدی در گسترش این دانش، غفلت کنند. هر چند که تعیین نام نخستین مترجم و زمان و مکان آن، کاری بس دشوار است. اما آنگونه که «حسام الخطیب» اعتقاد دارد به نظر می‌رسد، «سامی الدروبی» با ترجمه کتاب ادبیات تطبیقی اثر «پل وان تیگم»^۳، در سال (۱۹۴۸)، اولین مترجم مباحث تئوری ادبیات تطبیقی در جهان عرب به شمار می‌آید (ر.ک؛ الخطیب، ۱۹۹۳: ۱۴۸). به هر حال، این پژوهش بر آن است تا گزارشی تحلیلی از سیر تحولات تاریخی ادبیات تطبیقی در جهان عرب را با محوریت ترجمه و نیز نقش آن در گسترش نظریه‌ها و جریان‌های مرتبط با ادبیات تطبیقی عربی، تبیین و تحلیل نماید.

۱-۲. پرسش‌های پژوهش

۱. ترجمه چگونه در گسترش ادبیات تطبیقی جهان عرب تأثیرگذار بوده است؟
۲. این تأثیرگذاری‌ها در چه حوزه‌ها و ابعادی قابل دسته‌بندی و تفکیک است؟

۱-۳. ضرورت، اهمیت و هدف پژوهش

هدف مقاله حاضر، گزارشی توصیفی-تحلیلی از پژوهش‌هایی است که با بهره‌گیری از ابزار ترجمه در گسترش ادبیات تطبیقی سودمند بوده است. تحلیل سیر تاریخی این دانش در جهان عرب با محوریت ترجمه، ما را در شناخت تحولات این دانش، آگاهی می‌دهد. ضمن اینکه در این پژوهش به سهم ایرانیان در این عرصه توجه شده است.

۱. تعبیر را از باسنت به عاریت گرفته‌ایم. (۱۹۹۳: ۹۶) [با اندکی تصرف]

۲. تعبیر را از انوشیروانی به عاریت گرفته‌ایم. (۱۳۸۹: ۳۰) [با اندکی تصرف]

۴-۱. روش پژوهش

گردآوری اطلاعات کتاب‌های ادبیات تطبیقی در جهان عرب با محدودیت‌ها و مشکلاتی روبه‌رو بود. مسأله اصلی انتخاب آثار تأثیرگذار ادبیات تطبیقی از میان انبوه پژوهش‌ها بوده است. ملاک گزینش آثار کیفیت و تأثیرگذاری آنها در رشد دانش ادبیات تطبیقی در جهان عرب بوده است.

۵-۱. پیشینه پژوهش

درباره تاریخچه پیدایش مطالعات کتاب‌شناسی در حیطه آثار تطبیقی ترجمه‌شده، می‌توان به مقاله «بیلوگرافیه الأدب المقارن فى العالم العربی» (۱۹۷۹)، کتاب «مکونات الأدب المقارن فى العالم العربی» (۱۹۸۷) و کتاب «مدارس الأدب المقارن» از تألیفات سعید علوش اشاره کرد که گفته می‌شود نخستین آثار در این حوزه است. کتاب‌شناسی دیگر؛ در چاپ دوم کتاب «آفاق الأدب المقارن عربیاً و عالمیاً» تألیف حسام الخطیب قابل مشاهده است که، صرف نظر از کتاب‌های تکراری و جلد‌های مختلف یک کتاب، ۵۲ کتاب نظری تألیفی و هشت کتاب نظری ترجمه‌شده در زمینه ادبیات تطبیقی را در بر می‌گیرد (ر.ک؛ خضری، ۱۳۹۱: ۱۵۱-۱۵۲). هم‌چنین «حیدر خضری» در مقاله «الأدب المقارن العربی وعلاقته بالمجال الأدبی فى غرب آسیا» (۲۰۱۵) در خلال بررسی مکتب عربی ادبیات تطبیقی در سیر تحولات اخیر کشورهای عربی، یعنی؛ «بهار عربی» و «بیداری اسلامی»، پژوهش‌های کاربردی تطبیقی انجام شده میان ادبیات عربی و ادبیات غرب آسیا، به ویژه؛ ادبیات فارسی، ترکی و کردی را معرفی و مورد نقد و تحلیل قرار داده است. «حیدر خضری» هم‌چنین در مقاله «من القاهرة إلى طهران: استقبال الأدب المقارن العربی فى ایران» (۱۳۹۸) ضمن پرداختن به ادبیات تطبیقی در جهان اسلام، به پژوهش‌های تطبیقی که از زبان عربی به فارسی ترجمه شده‌اند، اشاره داشته و در نهایت به این مهم ره یافته که کتاب‌های نظری و کاربردی ترجمه شده، تأثیر قابل توجهی در رشد و تحولات ادبیات تطبیقی در ایران داشته است. وی هم‌چنین در مقاله «کتاب‌شناسی کتاب‌های نظری ادبیات تطبیقی در کشورهای عربی و ایران» (۱۳۹۱) به گردآوری آثار تئوریک در حوزه ادبیات تطبیقی پرداخته است. اما، پژوهشی که به طور مستقل به ارائه گزارشی توصیفی-تحلیلی از پژوهش‌های ترجمه شده در حوزه ادبیات تطبیقی جهان عرب بپردازد، تهیه و تدوین نشده است. از این‌رو، پژوهش حاضر کمک بزرگی به پژوهشگران و دانشجویان ادبیات تطبیقی محسوب می‌شود و از زاویه‌ای دیگر، اطلاعات مقدماتی لازم برای پیگیری سیر تحول نظری و عملی ادبیات تطبیقی در جهان عرب را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد.

۲. تحلیل

خاستگاه ادبیات تطبیقی اروپا است و کتاب‌های نظری نوشته شده در این عرصه، غالباً به زبان فرانسوی یا انگلیسی نوشته شده‌اند. از این‌رو، بیشتر کتاب‌های تطبیقی عربی، ترجمه‌های آزاد یا

اقتباس از منابع فرانسوی و انگلیسی و در پاره‌ای از موارد آلمانی و روسی هستند. با مطالعه و بررسی ترجمه آثار تطبیقی ترجمه شده از زبان‌های اروپایی به زبان عربی، با دو مجموعه کتاب مواجهه خواهیم شد؛ که به شرح زیر است:

الف. برخی از آثار نو و نویددهنده جریان و نظریه نوینی در ادبیات تطبیقی است. «غنیمی هلال» به عنوان داعی مکتب فرانسه و «الخطیب» به عنوان داعی مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی در جهان عرب به معرفی این مکاتب به عرصه ادبیات عرب پرداخته‌اند. سعید علوش و عزالدین المنصره نیز به ترتیب پس از بیان ویژگی‌های مکتب فرانسوی و آمریکایی، مکتب اروپای شرقی و نقد فرهنگی تطبیقی را با ترجمه آثار انگلیسی و فرانسوی به تطبیقگران عرب‌زبان معرفی نمودند. این مترجمان، پیشگام در معرفی مکاتب ادبیات تطبیقی به جهان عرب هستند که در معرفی مکاتب مذکور، تنها به منابع خارجی استناد کرده و به نقل قول از مؤلفان خارجی پرداخته‌اند. لذا، منتقدان معتقدند کتاب‌های تطبیقی این تطبیقگران بیش از آنکه تألیف باشد، ترجمه محسوب می‌شوند؛ هم‌چنان که «عبدالحمید ابراهیم» درباره کتاب غنیمی هلال می‌گوید: «کتاب الأدب المقارن (۱۹۵۳) غنیمی هلال، پس از آن که مفهوم ادبیات تطبیقی در دانشگاه‌های فرانسه کامل شد، تألیف شده است و این کتاب بیش از آن که تألیف باشد ترجمه به حساب می‌آید» (ابراهیم، ۱۹۸۶: ۱۱). با نگاهی کوتاه و گذرا به پانویست‌ها و فهرست منابع و اعلام آثار نویسندگان نامبرده، به خوبی می‌توان دریافت که این پژوهشگران، واقعیت این علم را از اروپا، آمریکا و روسیه وارد ادبیات عرب کرده و در این نقل و انتقال نیز موفق بوده‌اند. از این‌رو، مترجمان این گروه توانسته‌اند برای اولین بار، معرف اثر و مؤلف آن به جامعه عربی بوده و در حوزه مطالعات ادبیات تطبیقی جهان عرب، جریان‌ساز باشند.

ب. برخی از آثار بر مدار تکرار می‌چرخند و ادامه‌دهنده طریق مترجمان پیشگامی است که در ذیل گروه الف به آن‌ها اشاره کردیم. آثار نظری ترجمه شده اغلب، به دهه‌های (۱۹۵۰) تا (۱۹۷۰) میلادی، با تکیه بر مکتب فرانسه، مربوط است و گاه کاملاً فاقد نظریات جدیدتر و سایر مکاتب مطرح در جهان هستند. توجه افراطی مترجمان در ترجمه آثار مربوط به مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی، ایراد برخی از مترجمان است. بسیاری از مترجمان عرب‌زبان در ترجمه‌های خود، آثار تطبیقی مکتب فرانسوی را مرکز توجه قرار داده‌اند و بخش قابل توجهی از آثار ترجمه شده نظری و عملی غربی روانه بازار ادبی عرب شد، معرفی و تحلیل و بررسی مکتب فرانسوی است؛ یعنی آثاری که در پرتو پیوند تاریخی و بررسی روابط تأثیر و تأثر به بیان چارچوب «ادبیات تطبیقی مکتب فرانسوی» می‌پردازند. از این‌رو، مترجمان عرب‌زبان جز در موارد انگشت‌شماری پا را از مکتب فرانسه فراتر نگذاشته و به صورت افراطی پایبند مکتب قدیمی فرانسه بوده‌اند و این امر، سبب گشته این حوزه شناختی از تجربه‌های بی‌نظیر ادبیات عرب در آشنایی و تعامل با مکاتب و آداب دیگر محروم باشد. بنابراین می‌توان گفت: کتاب‌های ترجمه شده پس از کتاب «ادبیات تطبیقی» ترجمه غنیمی هلال، در حوزه مبانی نظری

مباحث ادبیات تطبیقی مکتب فرانسوی به هیچ‌وجه روزآمد و نو نیست و مباحث و مطالب کتاب‌ها، عمدتاً تکراری و باسابقه است. لذا، محتوای آثار جز مجموعه‌ای مطالب تکراری و سخنان تطبیق‌گرا ن پیشین، ارزش دیگری ندارد.

دوباره‌کاری‌ها و ترجمه‌های موازی در بازار ادبیات تطبیقی جهان عرب، مشکل دیگری است که باید نادیده گرفته نشود. برخی از مترجمان، به ترجمهٔ مجدد یک اثر پرداخته‌اند و بعضاً با ترجمه‌های گوناگون از یک اثر رو به رو می‌شویم. این در حالی است که مترجم باید یاد بگیرد که برای ورود به جامعه باید پای خود بگذارد، اما این مترجمان در حاشیه قرار دارند و خودشان یک اثر را برای اولین بار ترجمه نمی‌کنند. هر سال آثار زیادی از حوزهٔ ادبیات تطبیقی غرب، از طریق ترجمه به گنجینهٔ مطالعات تطبیقی عرب اضافه می‌شوند، اما هنوز نویسنده‌های بزرگی هستند که آثاری از آن‌ها ترجمه‌ناشده باقی مانده یا نویسنده‌های زیادی هستند که به عرب‌زبانان معرفی نشده‌اند. با این وجود، شاهد ترجمه‌هایی از کتاب‌هایی هستیم که پیش از آن هم ترجمه‌هایی از آن‌ها در دست بود. کتاب‌هایی که با دو یا چند ترجمهٔ متفاوت هم‌زمان به بازار می‌آیند. البته انگیزه‌های متفاوت و پاسخ به نیازهای گوناگونی از این دست، نیز مطرح می‌شود: الف) هر نسلی ترجمهٔ خاص خود را می‌خواهد، ب) جبران نواقص ترجمه‌های قبلی، ج) ترجمهٔ مجدد، راهی برای سهم بردن در بازار و ... با این وجود، نکتهٔ مهم آن جاست که گاهی ترجمه‌های بعدی یک کتاب در فاصلهٔ زمانی نه چندان دوری صورت گرفته‌اند. هم‌چنین غالباً به ترجمهٔ ابتدایی امتیاز داده می‌شود؛ زیرا ترجمه‌های بعد آن، نه هیچ‌یک بهتر از ترجمهٔ ابتدایی ارزیابی شده‌اند و نه ایراد خاصی در مقدمه‌ها بر ترجمهٔ آغازین گرفته‌اند. البته در این میان، ترجمه‌های موازی‌ای هستند که با مرتفع ساختن کاستی‌های ترجمه‌های پیشین می‌خش را کوبیده و به خانه‌ها و کتابخانه‌ها راه یافته است. البته ناگفته نماند، در مواردی هم ممکن است دو مترجم بدون اطلاع از هم مشغول ترجمهٔ کتابی باشند. یا هر یک معتقد باشند زودتر از دیگری کار را شروع کرده است. از این‌رو، در حوزهٔ ادبیات تطبیقی در جهان عرب باید انجمنی از مترجمان تشکیل شود تا کتاب‌هایی را که در دست دارند، از طریق این گروه به اشتراک بگذارند و اعلام کنند مشغول ترجمهٔ آن هستند تا از دوباره‌کاری جلوگیری شود.

مسئلهٔ دیگر، نقد ترجمه است. هیچ نقدی بر آثار ترجمه شده در این حوزه دیده نشده است؛ این موضوع باید در جامعه جدی گرفته شود. با نقد ترجمه، مترجمان خوب و بد از هم متمایز می‌شوند و برای مخاطب از هم قابل تشخیص خواهد بود. البته اگر ترجمه‌ای زیر تیغ نقد قرار گیرد و همهٔ مواع برطرف شوند و نقد هم کاملاً علمی و دقیق باشد، اما مشکل هم‌چنان باقی است؛ زیرا نقدها اغلب در مجلات و روزنامه‌ها منتشر می‌شود و خوانندگان غالباً با نواقص و ضعف و کاستی آن اطلاع نخواهند یافت و هم‌چنین تاثیر آن ماندگار و عمیق نیست، زیرا با چاپ شمارهٔ بعدی مجله یا روزنامه، آن نقد، خود به خود به محاق می‌رود و باز خوانندگان می‌مانند با ترجمهٔ ضعیف. از این‌رو، به باور

نویسندگان نوع مطلوب و منطقی نقد ترجمه، همانا ترجمه درست و درمان دوباره اثر است. در این صورت است که خوانندگان، ترجمه بهتر را برمی‌گزینند و ترجمه ضعیف‌تر، خود به خود کنار می‌رود و اینگونه است که کار برخی مترجمان بر برخی دیگر برتری می‌یابد.

۱-۲. ترجمه از زبان‌های فرانسوی، انگلیسی، آلمانی و روسی به زبان عربی

تطبیقگران عرب‌زبان، ابتدا به ترجمه کتاب‌هایی که این دانش را معرفی نموده و خاستگاه آن را بررسی کرده‌اند، پرداخته‌اند. لذا، ترجمه‌های دوره نخست، بیشتر بر محور مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی می‌چرخید. سپس مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی وارد عرصه شد و مترجمان نیز به بازگرداندن این آثار پرداختند و ادبیات جهان عرب را با مکتب آمریکایی؛ به‌ویژه نحله‌های جدید پژوهشی این نظریه (ادبیات تطبیقی با دانش‌ها و هنرها) آشنا ساختند. با ظهور مکتب اروپای شرقی، پژوهش‌های تطبیقی در جهان عرب نیز وارد مرحله جدیدی شد. تطبیقگران درصدد کشف میزان اثرپذیری ادیبان عرب‌زبان از تحولات ادبیات جهانی و جنبش‌های آزادی‌بخش غرب برآمدند. از این‌رو، ترجمه پژوهش‌های تطبیقی پسامدرنیسم و نقد فرهنگی تطبیقی به عرصه مطالعات تطبیقی گام نهاد. از این‌رو، ادبیات تطبیقی در جهان عرب همگام و هماهنگ با تحولات اروپا حرکت نموده است و ترجمه، ابزار اصلی آشنایی جهان عرب با اندیشه‌های نو، مکاتب و روندهای ادبیات تطبیقی در اروپا و البته جهان و نیز از مؤلفه‌های لازم حرکت به سوی تجدّدگرایی است.

یکی از ارکان مهم کتاب‌شناسی نظم اطلاعات است. با توجه به موضوع پژوهش که ترجمه و مترجمان در انتقال این علم به کشورهای عربی است، تصمیم بر این شد تا در این پژوهش، بر اساس نام مترجمان اثر و تاریخ چاپ مرتب شود.

۱-۱-۲. «عبدالعزیز الأهوانی»، نویسنده مصری، در سال (۱۹۴۷) در کتاب خود تحت عنوان «الزجل فی الأندلس»^۱ در بررسی و تحلیل تروبادور در شعر اندلس، در پرتو مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی، در شرح و تفصیل بخش نظری، به نقل قول و ترجمه کتاب «ادبیات تطبیقی» نوشته «رنه اتیامبل»^۲ نظریه‌پرداز و پیشگام مکتب تطبیقی فرانسوی استناد کرده است.

۲-۱-۲. «سامی الدرربی» فیلسوف و مترجم سوری، در سال (۱۹۴۸) کتاب «ادبیات تطبیقی» اثر «پل وان تیگم»، تطبیقگر و رمان‌نویس فرانسوی، را تحت عنوان «الأدب المقارن» به عربی ترجمه کرد. «این اثر، نخستین کتابی است که در این حوزه ترجمه شده است و هرچند نام مترجم، زمان و مکان ترجمه آن مشخص نیست، اما گفته شده به احتمال زیاد «سامی الدرربی» آن را ترجمه کرده و در سال (۱۹۴۸) در قاهره منتشر شده است. بی نام و نشان بودن این ترجمه باعث شد که جزو اموال

۱. تروبادور در شعر اندلس

عمومی به شمار آید و بارها در قاهره و بعدها در دیگر پایتخت‌های عربی منتشر شود. «سامی مصباح الحسامی» این کتاب را در سال (۱۹۸۰) بار دیگر ترجمه کرد و در بیروت به چاپ رساند» (الخطیب، ۱۹۹۳: ۱۴۸). نویسندهٔ مصری «محمد محمود الخضرى» نیز در سال (۱۹۹۱)، این کتاب را بار دیگر به زبان عربی ترجمه کرد.

۳-۱-۲. «مصطفی کامل فوده» نویسندهٔ مصری، در سال (۱۹۴۸) کتاب «بحران در ادبیات تطبیقی»^۱ نوشتهٔ «رنه اتیامبل» را تحت عنوان «نهضة الأدب المقارن» به عربی ترجمه کرد. «سعید علوش» منتقد و مترجم مغربی، از پژوهشگران برجستهٔ ادبیات تطبیقی در جهان عرب، نیز در سال (۱۹۸۷) کتاب مذکور را بار دیگر به عربی بازگردانید.

۴-۱-۲. «محمد غلاب» در سال (۱۹۵۶) کتاب «ادبیات تطبیقی»^۲ اثر نویسندهٔ فرانسوی؛ یعنی «ماریوس فرانسوا گی‌یار»^۳ را تحت عنوان «الأدب المقارن» به عربی ترجمه نمود. ولی به دلیل کیفیت نازل ترجمهٔ عربی و غلط‌های چاپی بی‌شمار با استقبال گرمی روبه‌رو نشد. فرانسوا گی‌یار (۱۹۲۱-۲۰۱۱) یکی از نظریه‌پردازان و از اندیشمندان به‌نام فرانسوی در حیطهٔ ادبیات تطبیقی بود. وی ادبیات تطبیقی را شاخه‌ای از تاریخ ادبیات به‌حساب می‌آورد و معتقد بود که وظیفهٔ پژوهشگر ادبیات تطبیقی، بررسی روابط و مبادلات ادبی بین ملت‌ها است. به اعتقاد او ادبیات تطبیقی در اصل، تاریخ ادبیاتی است که روابط بین ادبیات‌ها و ابزارهای تأثیر و تأثر را بررسی می‌کند (گیار، ۱۹۸۸: ۹).

شایان ذکر است «هنری زُغیب» شاعر، نویسنده و مترجم لبنانی، هم‌چنین در سال (۱۹۸۸) از کتاب مزبور، ترجمهٔ دیگری ارائه نمود و «الأدب المقارن، مع مقدمة من المؤلف؛ خاصة، بالطبعة العربية» نامید.

۵-۱-۲. «احمد عبدالعزیز» استاد ادبیات تطبیقی دانشگاه اردن، کتاب «ادبیات تطبیقی»^۴ (۱۹۶۷) اثر «کلود پیشوا» و «آندره میشل روسو»^۵ را از زبان فرانسوی به عربی بازگرداند و «الأدب المقارن» نامید. مترجم در چاپ سوم این کتاب، تعدیلات و اصلاحاتی انجام داد و بخش بیوگرافی ادبیات تطبیقی در جهان را به محتوا افزود. «رجاء عبدالمنعم جبر» نیز در سال (۱۹۸۰) کتاب مزبور را تحت عنوان «الأدب المقارن» بار دیگر به عربی ترجمه کرد.

۶-۱-۲. «بدیع محمد جمعه» در سال (۱۹۷۲) کتاب «نظریهٔ ادبیات»^۶ نوشتهٔ «رنه ولک»^۷ نظریه‌پرداز، منتقد و پژوهشگر ادبیات تطبیقی و «آوستن وارن»^۸ نویسنده، منتقد و استاد ادبیات

1. The Crisis in Comparative Literature
2. La littérature comparée.
3. Marius-François Guyard.
4. La Littérature comparée
5. André Michel Rousseau
6. Thory of literature
7. René Wellek
8. Austin Warren

آمریکایی، را به زبان عربی ترجمه کرده است و با عنوان عربی «نظریهٔ الأدب» روننهٔ بازار کرد؛ این کتاب شامل بخش مهمی از ادبیات تطبیقی با عنوان «ادبیات همگانی، تطبیقی و ملی» است. شایان ذکر است، در همان سال «محبی الدین صبحی» نیز این کتاب را ترجمه و تجدید چاپ کرد. ترجمهٔ این کتاب، گام مهمی در معرفی ادبیات تطبیقی آمریکایی به حوزهٔ پژوهش‌های تطبیقی جهان عرب به شمار می‌رود.

۷-۱-۲. «عبدالکریم محفوظ» در سال (۱۹۸۰) کتاب «بازتاب: مقالات ادبیات تطبیقی»^۱ تألیف نویسندهٔ اروپایی «هارى لیفن»^۲ را تحت عنوان «إنكسارات؛ مقالات فى الأدب المقارن» به زبان عربی ترجمه کرد.

۸-۱-۲. «حسام الخطیب» در مقالهٔ «ادبیات تطبیقی در کشاکش تعصب‌های روش‌شناختی و آزادی عمل انسانی»^۳ (۱۹۷۹)، مکتب آمریکایی را معرفی کرد و روزنهٔ جدیدی در جهان عرب تطبیقی گشود. چنان‌که خود او در این باره می‌گوید: «سه مقاله در مجلهٔ «المعرفه» به چاپ رساندم و در این مقاله‌ها تفاوت‌های مباحث تئوریک ادبیات تطبیقی را به اختصار بررسی کردم و دیدگاه رماک را به تفصیل شرح دادم و ترجمهٔ قسمت‌هایی از مقالهٔ معروف او و ضمیمهٔ آن را که به ترتیب در سال‌های (۱۹۶۱) و (۱۹۷۱) به چاپ رسیده بود، در مقالات خود گنجاندم. عنوان این مجموعه مقالات «ادبیات تطبیقی در کشاکش تعصبات روش‌شناختی و آزادی عمل انسانی» بود که در سال (۱۹۷۹) در شماره‌های (۲۰۴-۲۰۷) مجلهٔ المعرفه منتشر شد» (الخطیب، ۱۹۹۳: ۱۴۸). بررسی چالش‌های ساختاری ادبیات تطبیقی و ترجمهٔ دقیق نظریات «هنری رماک» به‌عنوان دو جریانی که در اوایل دههٔ هفتاد در برابر نظریهٔ فرانسوی ادبیات تطبیقی طغیان کردند، محورهای اساسی این مقاله است. الخطیب این مقاله را در سال (۱۹۸۳) در کتاب خود، «ادبیات تطبیقی» بازنگری و چاپ کرد. وی در این کتاب، با ترجمهٔ آثار «رنه ولک» و «هنری رماک» ضمن معرفی مکتب آمریکایی و نحله‌های جدید پژوهشی این نظریه (ادبیات تطبیقی با دانش‌ها و هنرها)، سبب تکثرگرایی و حضور فراگیر و پویاتر ادب عربی در صحنهٔ ادبیات تطبیقی شد و نگاه سنتی تطبیق‌گران عرب را از جریان اثبات‌گرایی تأثیر و تأثر تاریخی مکتب فرانسوی، متوجه نقد ادبی و زیبایی‌شناسی و مطالعات میان‌رشته‌ای کرد؛ چنان‌که در این باره می‌گوید: «از مهم‌ترین عواملی که باعث تغییر رویکرد در ادبیات تطبیقی شد، تأثیر پذیرفتن مکتب آمریکایی از نظریه‌های فرمالیست‌های روس، ساختارگرایی، پس‌ساختارگرایی، و به‌صورت کلی نقد جدید بود. رویکرد غالب در نقد جدید، کم‌رنگ شدن توجه به عوامل خارجی، مانند تأثیر جامعه و فرهنگ بر ادبیات، و توجه نشان دادن به خود متن ادبی و خصوصیات زیباشناختی آن و در نتیجه نزدیک‌شدن به درک و فهم جوهر آثار ادبی است. بنابراین، مکتب آمریکایی اساس کار خود را بر درک و فهم زیبایی‌های ادبی و دوری از بررسی عوامل خارجی و

1. Refractions: Essays in Comparative Literature

2. Harry Levin

روابط تأثیر و تأثر قرار داد. ... جوهر و اصل ادبیات تطبیقی، نقد ادبی و اصل نقد ادبی، ادبیات تطبیقی است» (الخطیب، ۱۹۸۳: ۴۷-۴۸).

۹-۱-۲. «مصطفی ماهر» در سال (۱۹۸۳) مقاله «تأثیر و تقلید»^۱ نوشته «اولریچ وایشتاین»^۲ را در کتاب خود تحت عنوان «التأثیر و التقليد» به عربی بازگردانید. کتابی دیگر که متأثر از مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی ترجمه و به حوزه ادبی جهان عرب عرضه شد.

۱۰-۱-۲. «نجلا الحدیدی» در سال (۱۹۸۳) مقاله «نقد تطبیقی»^۳ اثر «جان فلچر»^۴ را با عنوان «نقد المقارنه» به عربی ترجمه کرد. با ترجمه این اثر، مفهوم «نقد تطبیقی» در مطالعات ادبیات تطبیقی جهان عرب مطرح شد. لازم به ذکر است که نقد تطبیقی به عنوان مطالعه‌ای بینافرهنگی و البته بینارشته‌ای، جهت کشف رمز و راز همانندی‌های آثار ادبی و دادوستدهای فرهنگی جوامع، از روش‌های نقدی بهره می‌گیرد.

۱۱-۱-۲. «عارف حدیفه» نویسنده و مترجم سوری، در سال (۱۹۸۶) کتاب «مطالعات ادبیات تطبیقی»^۵ اثر نویسنده آلمانی «سیبرت سالمون پراور»^۶ را تحت عنوان «الدراسات الأدبیه المقارنه» به عربی بازگردانید.

۱۲-۱-۲. «محمد یونس» در سال (۱۹۸۷) کتاب «اصول ادبیات تطبیقی»^۷ اثر نویسنده فرانسوی «الکساندر دوماس»^۸ را تحت عنوان «مبادی علم الأدب المقارن» به عربی ترجمه کرد. مترجم، کتاب را از زبان روسی به عربی بازگردانید، اما شایان ذکر است اصل کتاب به زبان رومانیایی است. این کتاب به تعریف و تبیین چستی ادبیات تطبیقی، اصول و مبانی آن، کارکردها و حوزه‌های مطالعاتی و روش‌ها و رویکردهای آن پرداخته است.

۱۳-۱-۲. «محمد عصفور» پژوهشگر، مترجم، شاعر و ناقد اردنی، در سال (۱۹۸۷) کتاب «مفاهیم نقدی»^۹ اثر «رنه ولک» تحت عنوان «مفاهیم النقدیه» را به عربی ترجمه کرده است.

۱۴-۱-۲. «سمیر مسعود» در سال (۱۹۹۱) کتاب «نظریه ادبیات معاصر؛ مقدمه‌ای تطبیقی»^{۱۰} اثر «آن جفرسن»^{۱۱} و «دیوید رابی»^{۱۲} را با عنوان «النظریه الأدبیه الحدیثه؛ تقدیم مقارن» به عربی بازگردانید.

-
1. Influence and imitation
 2. Ulrich weisstein
 3. Comparative criticism
 4. John Fletcher
 5. Comparative Literary Studies
 6. Siegbert Salomon Praver.
 7. Principles of comparative literature
 8. Alexandre Dumas
 9. Concepts of Criticism
 10. Modern Literary Theory: A Comparative Introduction
 11. Ann Jefferson
 12. David Robey

۱۵-۱-۲. «محمد الخزعلی» در سال (۱۹۹۵) کتاب «پژوهش‌هایی در ادبیات تطبیقی»^۱ تألیف جمعی از نویسندگان فرانسوی را تحت عنوان «دراسات فی الأدب المقارن» به عربی ترجمه کرد. این کتاب شامل مجموعه‌ای از پژوهش‌های تطبیق‌گران هم‌چون؛ منتقد ادبی و فیلسوف آلمانی «والتر بنیامین»^۲، «ایهاب حسن» نویسنده و نظریه‌پرداز ادبی آمریکایی؛ متولد مصر و «رنه اتیامبل» است.

۱۶-۱-۲. «غسان السید»^۳؛ ناقد، نویسنده و استاد ادبیات تطبیقی دانشگاه دمشق، همچنین در سال (۱۹۹۶) کتاب «ادبیات تطبیقی چیست؟»^۴ اثر «پییر برونل»^۵، «کلود پیشوا»^۶ و «آندره میشل روسو» را ترجمه نمودند و تحت عنوان «ما الأدب المقارن؟» روانه بازار کردند. این کتاب به توصیف حوزه‌های مختلفی می‌پردازد که ادبیات تطبیقی را تشکیل می‌دهد؛ از جمله مزایای کتاب فوق، آن است که برای نخستین بار در ادبیات تطبیقی فرانسه، تعریفی ارائه می‌کند که بر بنیاد ریشه‌ای بودن ادبیات تطبیقی تأکید می‌ورزد و می‌کوشد تا گرایش‌های مختلف در ادبیات تطبیقی را با یکدیگر جمع کند.

۱۷-۱-۲. «فؤاد عبدالمطلب» مترجم و استاد زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه «جرش» اردن، در سال (۱۹۹۶) مقاله «ادبیات تطبیقی؛ تعریف و کارکرد» نوشته «هنری رماک» را با عنوان «الأدب المقارن: تعریفه ووظیفته» به زبان عربی ترجمه کرد.

۱۸-۱-۲. «غسان السید» در سال (۱۹۹۷) کتاب «ادبیات همگانی و تطبیقی»^۷، تألیف «دانیل هنری باجو»^۸؛ از تطبیق‌گران معاصر فرانسوی، را تحت عنوان «الأدب العام و المقارن» به زبان عربی ترجمه نموده است. نویسنده در این کتاب، ادبیات تطبیقی را که از ابتدا بر پایه اروپامحوری شکل یافته بود، به سوی «ادبیات همگانی و تطبیقی» متمایل می‌کند. از این رو، با ارائه این ترجمه به بازار ادبی، افقی تازه به روی مطالعات تطبیقی عربی باز شد.

تلاش هنری باجو، معطوف به یافتن جایگاه واقعی ادبیات تطبیقی در ادبیات جهانی است. به همین روی، کار و تحقیق در ادبیات همگانی و تطبیقی را تشویق کرد تا خلئی را که بر اثر اروپامحوری در ادبیات سایر نقاط جهان به وجود آمده بود، پر کند و افکار تطبیق‌گران را از سنت اروپامحوری (اروپای غربی) معطوف به اروپای مرکزی و شرقی و به ادبیات جهانی و ادبیات ملل استعمارشده، کند.

۱۹-۱-۲. «امیره حسن نویره» در سال (۱۹۹۹) کتاب «ادبیات تطبیقی» نوشته «سوزان باسنت»^۹؛ نویسنده، استاد دانشگاه واریک انگلستان، مؤسس و معاون مرکز مطالعات ترجمه و مطالعات تطبیقی

1. Studies in comparative literature
2. Walter Benjamin
3. Qu'est-ce que la littérature comparée
4. Pierre Brunel
5. Claude Pichois
6. Public and comparative literature.
7. pageaux- Daniel heneri.
8. Susan Bassnett

فرهنگی، را تحت عنوان «الأدب المقارن؛ مقدمه نقدية» به عربی بازگردانید. در این کتاب، بر پژوهش در حیطه ادبیات پسااستعماری و فمینیستی و مطالعات ترجمه به عنوان سه راهکار اصلی برای تحول و پیشرفت ادبیات تطبیقی تأکید می‌شود و نویسنده کمتر به نظریه‌پردازی و مباحث انتزاعی می‌پردازد و بیشتر به پژوهش در تاریخ ادبیات و مطالعات ترجمه توجه دارد.

۲۰-۱-۲. «غسان السید» هم‌چنین در سال (۱۹۹۹) کتاب «خلاصه ادبیات تطبیقی»^۱ اثر «پییر برونل»^۲ و «آیو شورل»^۳ را به عربی بازگردانید و «الوجیز فی الأدب المقارن» نامید.

۲۱-۱-۲. «فؤاد عبدالمطلب» در سال (۲۰۰۱) کتاب «ادبیات تطبیقی» نوشته «هنری گیفورد»^۴ را به عربی ترجمه کرد.

۲۲-۱-۲. «غسان مرتضی» در سال (۲۰۰۴) کتاب «علم ادبیات تطبیقی در شرق و غرب»^۵ اثر «ویکتور جرمونسکی»^۶ پرچمدار و سخنگوی مکتب ادبیات تطبیقی شوروی، را ترجمه و «علم الأدب المقارن؛ شرق و غرب» نامید.

۲۳-۱-۲. «فؤاد عبدالمطلب» در سال (۲۰۰۵) مقاله «از ادبیات تطبیقی تا ترجمه‌پژوهی»^۷ نوشته «سوزان باسنت» را به عربی ترجمه کرد. با ترجمه این اثر، ارتباط پیچیده و مسئله‌ساز ادبیات تطبیقی و ترجمه، بستر پژوهش‌های جدیدی را در عرصه تطبیقی جهان عرب فراهم ساخت و ترجمه‌پژوهشی به عنوان یک رشته مستقل، در مطالعات بینا فرهنگی و میان‌رشته‌ای مورد بحث و پژوهش قرار گرفت.

۲۴-۱-۲. «عزالدین المناصره» در سال (۲۰۰۵)، کتاب «نقد فرهنگی»^۸ اثر «آرتور آسابرگر»^۹؛ استاد و پژوهشگر علم ارتباطات در دانشگاه ایالتی سان فرانسیسکو، را ترجمه و در کتاب خود با عنوان «النقد الثقافی المقارن»^{۱۰} به چاپ رسانید. مناصره با اعتقاد به «نقد فرهنگی تطبیقی» به جای اصطلاح «ادبیات تطبیقی»، موضوع «مناقفه» را مطرح می‌کند و می‌گوید: «امروزه، بیشتر به بحث ادبیات تطبیقی از زاویه جهانی شدن ادب و فرهنگ؛ به مفهوم امپریالیستی آن می‌پردازند و از بحث مناقفه و تبادل فرهنگ، به عنوان مباحث مقدماتی ادبیات تطبیقی می‌گیرند» (المناصره، ۲۰۰۵: ۵۷).

1. Précis de littérature comparée
2. Pierre Brunel
3. Yves Chevrel
4. Henry Gifford
5. The science of comparative literature in the East and the West.
6. Victor Gremonsky
7. From Comparative Literature to Translation Studies
8. Cultural Criticism.
9. Arthur Berger

۲۵-۱-۲. «صخر حاج حسین» نویسنده و مترجم سوری، در سال (۲۰۰۷) کتاب نویسنده آمریکایی، «جویا بلوندل سعد»^۱ را با عنوان «عرب‌ستیزی در ادبیات نوین ایران»^۲ به عربی ترجمه نمود و آن را «صورة العرب فی الأدب الفارسی الحدیث» نامید؛ این کتاب به بررسی تصویر بیگانه‌نمای عرب، در ادبیات فارسی معاصر می‌پردازد و با ارایه نمونه‌هایی از متون ادبی، که به موضوع عرب اشاره دارد، درباره مفهوم و محتوای این بیگانه‌انگاری عرب، در پس‌زمینه ادبی و اجتماعی ایران بحث می‌کند.

۲۶-۱-۲. «فؤاد عبدالمطلب» هم‌چنین در سال (۲۰۰۷) کتاب «ادبیات تطبیقی؛ روش و دیدگاه»^۳ اثر «هورست فرنز»^۴ و «نیوتن. پی. استالکنخت»^۵ را تحت عنوان «الأدب المقارن، المنهج و التطور» به عربی بازگرداند.

جدول شماره یک: کتاب‌های غربی ترجمه شده به عربی

نام اثر	نویسنده	زبان اثر	مترجم	تاریخ
ادبیات تطبیقی	رنه اتیامل	فرانسوی	عبدالعزیز الأهوانی	۱۹۴۷
ادبیات تطبیقی	پل وان تیگم	فرانسوی	سامی الدروبی	۱۹۴۸
بحران ادبیات تطبیقی	رنه اتیامل	فرانسوی	مصطفی کامل فوده	۱۹۴۸
ادبیات تطبیقی	ماریوس فرانسوا گیار	فرانسوی	محمد غلاب	۱۹۵۶
ادبیات تطبیقی	کلود پیشوا و آندره میشل روسو	فرانسوی	احمد عبدالعزیز	۱۹۶۷
ادبیات تطبیقی	پل وان تیگم	فرانسوی	سامی مصباح الحسامی	۱۹۶۸
نظریه ادبیات	رنه ولک	فرانسوی	بدیع محمد جمعه	۱۹۷۲
ادبیات تطبیقی	هنری رماک	آلمانی	حسام الخطیب	۱۹۷۹
ادبیات تطبیقی	کلود پیشوا و آندره میشل روسو	فرانسوی	رجاء عبدالمنعم جبر	۱۹۸۰
بازتاب: مقالات ادبیات تطبیقی	هارى لیفن	فرانسوی	عبدالکریم محفوظ	۱۹۸۰
ادبیات تطبیقی	هنری رماک و رنه ولک	انگلیسی	حسام الخطیب	۱۹۸۳
تأثیر و تقلید	اولریچ وایشتاین	فرانسوی	مصطفی ماهر	۱۹۸۳
نقد تطبیقی	جان فلچر	فرانسوی	نجلا الحدیدی	۱۹۸۳
مطالعات ادبیات تطبیقی	سیبرت سالمون پراور	آلمانی	عارف حدیفه	۱۹۸۶
بحران ادبیات تطبیقی	رنه اتیامل	فرانسوی	سعید علوش	۱۹۸۷
اصول ادبیات تطبیقی	الکساندر دوماس	روسی	محمد یونس	۱۹۸۷
مفاهیم نقدی	رنه ولک	انگلیسی	محمد عصفور	۱۹۸۷
ادبیات تطبیقی	ماریوس فرانسوا گیار	فرانسوی	هنری زغیب	۱۹۸۸
ادبیات تطبیقی	پل وان تیگم	فرانسوی	محمد محمود الخضرى	۱۹۹۱
نظریه ادبیات معاصر؛ مقدمه‌ای تطبیقی	آن جفرسن و دیوید رابی	انگلیسی	سمیر مسعود	۱۹۹۱

1. Joya Blondel Saad
2. The Image of Arabs in Modern Persian Literature
3. Comparative Literature: Method and Perspective
4. Horst Frenz
5. Newton P. Stallknecht

۱۹۹۵	محمد الخزعلی	فرانسوی	جمعی از نویسندگان	پژوهش‌هایی در ادبیات تطبیقی
۱۹۹۶	غسان السید	فرانسوی	پیپر برنول، کلود پیشوا و آندره میشل روسو	ادبیات تطبیقی چیست؟
۱۹۹۶	فؤاد عبدالمطلب	انگلیسی	هنری رماک	ادبیات تطبیقی؛ تعریف و کارکرد
۱۹۹۷	غسان السید	فرانسوی	دانییل هنری باجو	ادبیات همگانی و تطبیقی
۱۹۹۹	امیره حسن نویره	انگلیسی	سوزان باسنت	ادبیات تطبیقی
۱۹۹۹	غسان السید	فرانسوی	پیپر برنول و آیو شورل	خلاصه ادبیات تطبیقی
۲۰۰۱	فؤاد عبدالمطلب	انگلیسی	هتری گیفورد	ادبیات تطبیقی
۲۰۰۴	غسان مرتضی	انگلیسی	ویکتور جرمونسکی	علم ادبیات تطبیقی در شرق و غرب
۲۰۰۵	فؤاد عبدالمطلب	انگلیسی	سوزان باسنت	از ادبیات تطبیقی تا ترجمه‌پژوهی
۲۰۰۵	عزالدين المناصره	انگلیسی	آرتور آسایرگر	نقد فرهنگی
۲۰۰۷	صخر حاج حسین	انگلیسی	جویا بلوندل سعد	عرب‌ستیزی در ادبیات نوین ایران
۲۰۰۷	فؤاد عبدالمطلب	انگلیسی	هورست فرنز و نیوتن. پی. استالکنخت	ادبیات تطبیقی؛ روش و دیدگاه

۲-۲. ترجمه از فارسی به عربی و بالعکس

ادبیات تطبیقی از دیرباز شیوه‌ای برای خروج از مرزهای ملی، جهت تأکید بر اشتراکات فرهنگی و انسانی بین کشورهای عربی و ایران است؛ ترجمه نیز یکی از اصلی‌ترین ابزارها جهت آگاهی یافتن از تأثیری است که زبان یک ملت بر زبان ملت دیگری دارد و در کنار آن، ره یافتن به تأثیر ادبی زبان فارسی و عربی است. «تاریخچه طولانی روابط عرب‌ها و ایرانیان که به دوران ما قبل تاریخ بازمی‌گردد، از دوره ساسانیان رنگ و بوی ادبی به خود گرفت» (عوفی، ۱۹۰۳: ۶). در همین دوره بود که بسیاری از افسانه‌ها و داستان‌های فارسی وارد فرهنگ و ادبیات عربی دوره جاهلی شد. البته سرعت و دامنه نفوذ فرهنگ و ادبیات عربی به ایران در دوره‌های بعدی به پشتوانه قدرت نظامی و سیاسی بسیار قابل توجه بود. این روند تأثیر و تأثر تا بعد از عصر بیداری دچار تحول شد و سیر حرکت خود را همراه با جریان غربی ادامه داد. «تاریخچه پیدایش پژوهش‌های تطبیقی بین عربی و فارسی در جهان عرب را می‌توان به سال (۱۹۰۳) بازگرداند؛ سالی که «یعقوب صروف» در مجله «المقتطف» مقلله کوتاهی را با عنوان «رباعیات ابی العلاء» منتشر ساخت» (خضری، ۱۳۹۰: ۲). از آن پس، پژوهش‌های تطبیقی متعددی پیرامون تأثیر و تأثر آثار این دو فرهنگ صورت پذیرفت که برخی از آنها به فارسی یا عربی ترجمه شده‌اند.

۲-۲-۱. «حسین مجیب المصری» مقاله‌ای را تحت عنوان «ایران و مصر در گذر تاریخ» را به مناسبت دو هزار و پانصدمین سالگرد تأسیس حکومت پارسی‌زبان ایران نوشت که در آن به روابط سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ادبی ایران- مصر از دیرباز تا عصر حاضر بیشترین توجه را دارد؛ سپس آن را به عربی بازگردانید و تحت عنوان «ایران و مصر عبر التاريخ» در سال (۱۹۷۱) به چاپ رسانید.

- ۲-۲-۲. «محمد بقایی» در سال (۱۳۷۰) کتاب «خلیفه عبدالحکیم» تحت عنوان «مولوی، نیچه و اقبال» را به فارسی ترجمه کرد.
- ۲-۲-۳. «مرتضی آیت الله زاده شیرازی» کتاب «الأدب المقارن» اثر «محمد غنیمی هلال» را در سال (۱۳۷۳) به زبان فارسی ترجمه کرد. این کتاب از مهم‌ترین و مشهورترین کتاب‌های تطبیقی در جهان عرب به شمار می‌رود.
- ۲-۲-۴. «عبدالله شریفی خجسته» در سال (۱۳۷۴) کتاب «تأثیر الحکم الفارسیه فی الادب العربی؛ فی العصر العباسی الاول» اثر «عیسی العاکوب» را تحت عنوان «تأثیر پندهای ایرانی در ادبیات عرب؛ در دوره عباسی اول» به فارسی ترجمه کرد.
- ۲-۲-۵. «موسی بیدج» در سال (۱۳۷۸) کتاب «مؤثرات عربیة واسلامیة فی الأدب الروسی» نوشته «مکارم الغمری»؛ پژوهشگر مصری، را تحت عنوان «تأثیر فرهنگ و ادب اسلامی در ادبیات روسی» به زبان فارسی ترجمه کرد.
- ۲-۲-۶. «زهرا خسروی» در سال (۱۳۸۰) کتاب «الأدب المقارن» اثر «طه ندا» را به زبان فارسی ترجمه کرد. نویسنده کتاب، بنیان‌گذار انستیتوی زبان‌های شرقی در دانشگاه اسکندریه و از اساتید برجسته ادبیات تطبیقی در سرزمین‌های عربی است. نظر به وجود پیوندهای استوار زبان‌های عربی و فارسی و اشتراکات فراوان عرب‌ها با ایرانیان و ترکان مسلمان، بخش اصلی پژوهش‌های نویسنده در این اثر، به روش‌داشت موضوعات مزبور اختصاص دارد. در فصلی نیز به بررسی ادبیات اسلامی در اروپا و معرفی آثاری می‌پردازد که در گذر زمان به دیگر سرزمین‌ها راه یافته است. شایان ذکر است در همان سال «عباسعلی وسفوند» در پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد خود با عنوان «ادبیات تطبیقی، ترجمه و توضیح کتاب الأدب المقارن» به ترجمه مجدد این کتاب همت گماشت. همچنین «هادی نظری منظم» در سال (۱۳۸۳) و «حجت رسولی» در سال (۱۳۸۴)، بازگردانی دیگر از این کتاب ارائه دادند.
- ۲-۲-۷. محمد حسن تقیه، نویسنده و استاد زبان و ادبیات عربی، در سال (۱۳۸۱): مقاله حسام الخطیب تحت عنوان «الترجمة والأدب المقارن» را به فارسی ترجمه و در فصلنامه زبان و ادب، شماره ۱۵ به چاپ رسانید.
- ۲-۲-۸. بسام علی رباعه در سال (۱۳۸۱) که دانشجوی اردنی مقطع دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران بود، مقاله «مزالق الترجمة بین الفارسیة والعربیة» نوشته یوسف بکار؛ پژوهشگر، نویسنده و ناقد اردنی، را تحت عنوان «دست اندازهای ترجمه میان عربی و فارسی» به زبان فارسی ترجمه و در مجله نامه پارسی، شماره ۲، منتشر نمود.

۹-۲-۲. وداد الزيموسى؛ استاد زبان و ادبيات فارسى دانشگاه مغرب، در سال (۱۳۸۲) مقاله «الشاهنامه والأدب العربى»^۱ نوشته «محمد سعيد جمال الدين»، استاد زبان و ادبيات فارسى دانشگاه عين الشمس مصر را به زبان فارسى ترجمه کرد که در فصلنامه نامۀ پارسی، شماره ۳، به چاپ رسید.

۱۰-۲-۲. «سيد حسين سيدى» در سال (۱۳۸۲) كتاب «فى الادب المتقارن: دراسة فى نظريات الادب والشعر القصصى» نوشته «محمد عبدالسلام كفافى» را تحت عنوان «ادبيات تطبيقى؛ پژوهشى در باب نظريۀ شعر روايى» به فارسى ترجمه کرد. در اين كتاب مؤلف بر مكتب فرانسوى ادبيات تطبيقى تاكيد کرده است و اختلاف زباني و وجود رابطه تاريخى ميان دو ادبيات- اثبات گرايى-، دو مبنای اساسى اين مكتب و البته پژوهش كفافى به شمار می‌روند.

۱۱-۲-۲. «محمد التونجى» در سال (۱۳۸۳) كتاب «آذرتاش آذرنوش» تحت عنوان «راه‌هاى نفوذ فارسى در فرهنگ و زبان عرب جاهلى؛ همراه با واژه‌هاى فارسى در شعر جاهلى» را از زبان فارسى به زبان عربى، تحت عنوان «سبل نفوذ الفارسيه فى ثقافة عرب الجاهلية و لغتهم» ترجمه کرد. نگارنده در اين كتاب در صدد است که پيش از هر چيز به عربستان پيش از اسلام نظر اندازد و به بررسى روابط ساکنان آن با ايرانيان بپردازد تا شايد شرايط و عواملی را که به تأثيرپذيرى اعراب پيش از اسلام از فرهنگ ايراني انجاميده است باز يابد و اين گونه گوشه‌ای از تأثير فرهنگ ايراني را در جهان عرب جاهلى به ويژه شعر آن دوره بازمى‌نماياند.

۱۲-۲-۲. «هادى خديبور» و «على طاهرى» در سال (۱۳۸۳) كتاب «الترجمات العربية لرباعيات الخيام؛ دراسة نقدية» اثر «يوسف حسين بكار» را به فارسى ترجمه نموده و «رباعيات خيام در ضيافت شعر عربى» ناميدند. يکى از اهداف نويسنده نشان دادن شيفتگى و شور و شوق تعداد زيادى از پژوهشگران و شاعران و مترجمان عرب در برخورد با رباعيات خيام است که آنها را واداشته هر يک سال‌ها به تحقيق و تفحص و ترجمه اين سروده‌ها بپردازند. هدف ديگر نويسنده، گشودن باب نقد و تحليل و تفسير فنى و ادبى درباره ترجمه‌ها است که پژوهشگران فارسى را نيز مفيد می‌افتد و از جمله مباحث بلاغى به شمار می‌آيد.

۱۳-۲-۲. «على عزيزنيا» و «على نظرى» در سال (۱۳۸۵) كتاب «تولستوى^۲ و دوستيفسكى^۳ فى الأدب العربى» نوشته «ممدوح ابوالوى» را تحت عنوان «پژوهش تطبيقى تأثير داستايفوسكى در ادبيات عربى» را به فارسى بازگردانيدند. نويسنده در اين پژوهش کوشيده است تا تأثير داستايفوسكى را بر آثار بعضى از ادبای معاصر عرب، از جمله؛ «جبران خليل جبران»، «ميخائيل نعيمة» و «نجيب

۱. شاهنامه و ادبيات عربى.

2. Leo Tolstoy
3. fredor dostoyevsky

محفوظ» و نیز تأثیر قرآن و ادبیات عرب را بر آثار «الکساندر پوشکین»^۱ شاعر روسی قرن هجده و نوزده بررسی کند.

۱۴-۲-۲. «قاسم مختاری» و «محمود شهبازی» در سال (۱۳۸۹) کتاب «نقوش فارسیه علی لوحه عربیه» اثر «محمد السعید جمال الدین» را به فارسی ترجمه و «ادبیات تطبیقی: نگاره‌های فارسی بر سنگ‌نوشته ادب عربی؛ تأثیرات ادبیات فارسی بر ادبیات عربی» نامیدند.

۱۵-۲-۲. «مجتبی شاهسونی» در سال (۱۳۹۰) کتاب «مقاربات تطبیقیه فی الدب المقارن» نوشته «ماجده حمود» را تحت عنوان «رویکردهای کاربردی در ادبیات تطبیقی» به فارسی ترجمه کرد. کتاب مذکور با مقدمه «ابوالحسن امین مقدسی» تحقیقی است حاوی چند نمونه مقایسه‌ای در پژوهش‌های تطبیقی که می‌کوشد تا نمونه‌های متعددی تأثیر از دیگران را بررسی نماید.

۱۶-۲-۲. «لاله آتشی» در سال (۱۳۹۰) مقاله انگلیسی حسام الخطیب را با عنوان «ادبیات تطبیقی در کشورهای عرب‌زبان: تاریخچه و جریان‌های اصلی تا پایان دهه هشتاد»^۲ را به فارسی ترجمه کرد.

۱۷-۲-۲. «حسین احمدی» در سال (۱۳۹۰) کتاب «الآداب المقارنه» نوشته «محمد التونجی»؛ نویسنده سوری، را به عنوان پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد تحت عنوان «ترجمه و نقد کتاب الآداب المقارنه» به زبان فارسی بازگردانید.

۱۸-۲-۲. «سعید حسام‌پور» و «حسین کیانی» در سال (۱۳۹۳) کتاب «الادب المقارن، دراسات تطبیقیه فی الادیب العربی و الفارسی» اثر «محمد السعید جمال الدین» را تحت عنوان «ادبیات تطبیقی؛ پژوهشی در ادبیات عربی و فارسی» به فارسی ترجمه کردند. فصل‌های این کتاب عبارتند از: «پیدایش ادبیات تطبیقی»، «خدمات این علم به ادبیات کشورهای اسلامی»، «ادبیات تطبیقی و ادبیات معاصر عربی» و «زمینه‌ها و روش‌های تحقیق در این علم». «جمال‌الدین» در این کتاب هم‌چون بسیاری از تطبیق‌گران دیگر، ابتدا به مباحث نظری و سپس به مباحث تطبیقی یا عملی می‌پردازد، اما این بخش تکرار همان مباحثی است که در عموم کتاب‌های ادبیات تطبیقی دیده می‌شود و البته، از بررسی مراحل تحول آن و دیدگاه‌های مختلف و مکاتب مشهور صرف نظر کرده است در حالی که، در این مدت (فاصله زمانی ظهور مکتب فرانسه تا تدوین تألیف نامبرده) مبانی نظری ادبیات تطبیقی با عنوان مکاتب ادبیات تطبیقی دگرگونی زیادی یافته است و مکاتب متعددی در برابر مکتب فرانسه سر برافراشته‌اند، ولی مؤلف سبک و مبنای کار خود را هم‌چنان مکتب فرانسه قرار داده و پا را از مکتب فرانسه فراتر نگذاشته است. به سبب چنین نقصی در بخش نظری، «مترجمان این کتاب، فصلی با عنوان «مکتب‌های مهم ادبیات تطبیقی» را به فصل اول کتاب افزوده‌اند» (سعید جمال الدین، ۱۳۸۹: ۱۲).

1. Alexander Pushkin

2 Hussam Al-Khateeb. "Comparative Literature in Arabic: History and Major Tendencies to the 1980s." Yearbook of Comparative and General Literature. 41 (1993): 12-20.

۱۹-۲-۲. «ريحانه منصورى» و «هادى نظرى منظم» در سال (۱۳۹۳) كتاب «ليلى و المجنون فى الأدبين العربى و الفارسى»، اثرى تطبيقى و کاربردى از «محمد غنيمى هلال»، را به فارسى ترجمه نموده و تحت عنوان «ليلى و مجنون در ادبيات عربى و فارسى؛ پژوهشى نقدى و تطبيقى در عشق عذرى و عشق صوفيانه» روانه بازار کردند. بررسى پيدائش غزل عذرى در ادبيات عربى، انتقال موضوع و اخبار مجنون به ادبيات فارسى و شيوه تعامل شاعران ايرانى با شخصيت مجنون و ليلى، از جمله موضوعات مطرح شده در اين كتاب است. هلال، هم‌چنين عوامل تاريخى و ادبى دخیل در انتقال اين موضوع را بررسى کرده و به تشریح تأثیرات عربى، دگرگونى‌ها و ویژگی‌هاى موضوع مجنون در ادبيات فارسى پرداخته است.

۲۰-۲-۲. «حجت رسولى» در سال (۱۳۹۵) كتاب «العرب و الأدب المقارن» اثر «عبدالنبى اصطيف» را تحت عنوان «ادبيات تطبيقى در جهان عرب» به زبان فارسى ترجمه کرد. محور كتاب زبان عربى و زبان و ادبيات ملت‌هاى است که بر زبان عربى تأثیر گذاشته يا از آن اثر پذيرفته‌اند و مهم‌ترين بخش كتاب تأکید بر پیوند عمیق میان ادبيات ملت‌هاى مسلمان است که نگارنده آن را با عنوان «به سوى ادبيات تطبيقى اسلامى» مطرح ساخته است.

۲۱-۲-۲. «طیبه عباسى» در سال (۱۳۹۵) كتاب «مدارس الأدب المقارن» اثر «سعید علّوش» را به فارسى بازگردانید و «مکتب‌هاى ادبيات تطبيقى» نامید.

جدول شماره دو: آثار عربى ترجمه شده از زبان عربى به زبان فارسى

سال	مترجم	زبان اثر	نویسنده	نام اثر
۱۹۷۱	حسین مجیب المصرى	عربى	حسین مجیب المصرى	ایران و مصر در گذر تاریخ
۱۳۷۰	محمد بقایى	عربى	خلیفه عبدالحکیم	مولوى، نیجه و اقبال
۱۳۷۳	مرتضى آيت‌الله زاده شیرازى	عربى	محمد غنيمى هلال	ادبيات تطبيقى
۱۳۷۴	عبدالله شريفى خجسته	عربى	عيسى العاكوب	تأثير پندهاى ايرانى در ادبيات عرب؛ در دوره عباسى اول
۱۳۷۸	موسى بيدج	عربى	مكارم العمرى	تأثير فرهنگ و ادب اسلامى بر ادبيات روسيه
۱۳۸۰	زهرا خسروى	عربى	طه ندا	ادبيات تطبيقى
۱۳۸۰	عباسعلى يوسف‌وند	عربى	طه ندا	ترجمه و توضیح كتاب ادبيات تطبيقى
۱۳۸۱	محمد حسن تقيه	عربى	حسام الخطيب	ترجمه و ادبيات تطبيقى
۱۳۸۱	بسام على رابعه	عربى	يوسف بكار	دست‌اندازهاى ترجمه میان عربى و فارسى
۱۳۸۲	وداد الزيموسى	عربى	محمد سعيد جمال الدين	شاهنامه و ادبيات عربى
۱۳۸۲	سيد حسين سيدى	عربى	محمد عبدالسلام كفافى	ادبيات تطبيقى؛ پژوهشى در باب نظريه شعر روايى
۱۳۸۳	هادى نظرى منظم	عربى	طه ندا	ادبيات تطبيقى
۱۳۸۳	هادى خديور و على طاهرى	عربى	يوسف حسين بكار	رباعيات خيام در ضيافت شعر عربى
۱۳۸۴	حجت رسولى	عربى	طه ندا	ادبيات تطبيقى
۱۳۸۵	على عزيزنيا و على نظرى	عربى	ممدوح ابوالوى	پژوهش تطبيقى تأثير داستاينوفسكى در ادبيات عربى
۱۳۸۹	قاسم مختارى و محمود شهپازى	عربى	محمد السعيد جمال الدين	ادبيات تطبيقى؛ نگاره‌هاى فارسى بر سنگ‌نوشته ادب عربى؛ تأثيرات ادبيات فارسى بر ادبيات عربى

۱۳۹۰	مجتبی شاهسونی	عربی	ماجده حمود	رویکردهای کاربردی در ادبیات تطبیقی
۱۳۹۰	لاله آتشی	عربی	حسام الخطیب	ادبیات تطبیقی در کشورهای عرب‌زبان: تاریخچه و جریان‌های اصلی تا پایان دهه هشتاد
۱۳۹۰	حسین احمدی	عربی	محمد التونجی	ترجمه و نقد کتاب الآداب المقارنه
۱۳۹۳	سعید حسام‌پور و حسین کیانی	عربی	محمد السعید جمال‌الدین	ادبیات تطبیقی؛ پژوهشی در ادبیات عربی و فارسی
۱۳۹۳	ریحانه منصوری و هادی نظری منظم	عربی	محمد غنیمی هلال	لیلی و مجنون در ادبیات عربی و فارسی؛ پژوهشی نقدی و تطبیقی در عشق عذری و عشق صوفیانه
۱۳۹۵	حجت رسولی	عربی	عبدالنبی اصطفی	ادبیات تطبیقی در جهان عرب
۱۳۹۵	طیبه عباسی	عربی	سعید علوش	مکتب‌های ادبیات تطبیقی

نتیجه

۱. عنصر ترجمه یکی از عوامل مؤثر در رشد و شکوفایی دانش ادبیات تطبیقی در جهان عرب بوده است. کتاب‌شناسی این ترجمه‌ها بیانگر آن است که در دو بعد نظری و عملی صورت گرفته است. در بعد نظری، ترجمه آثار نظریه‌پردازان اروپایی در ترویج و گسترش مفاهیم بنیادی این دانش نقش عمده و مؤثر را داشته است. در بعد عملی نیز ترجمه پژوهش‌های اروپایی، هم‌چنان در صدر جدول قرار دارند و ترجمه پژوهش‌های کاربردی از فارسی به عربی - جز یک مورد - دیده نمی‌شود که این امر بیانگر توجه خاص پژوهشگران عرب‌زبان به آثار اندیشمندان اروپایی است.

۲. ترجمه‌ها از زبان‌های اروپایی غالباً با محوریت مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی صورت گرفته است و همین مسأله در جهت‌دهی پژوهش‌ها به سمت این مکتب تأثیرگذار بوده است. هر چند که ترجمه آثار کسانی هم‌چون «رنه ولک» در توجه پژوهشگران عرب به سمت و سوی مکتب آمریکایی بی‌تأثیر نبوده است.

کتابنامه

- _____ (۱۳۹۱)، «ادبیات تطبیقی و ترجمه‌پژوهی»، ادبیات تطبیقی (ویژه‌نامه‌نامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی)، ۱/۳. پیاپی ۵. ۷-۲۵.
- _____ (۱۹۹۳)، «ادبیات تطبیقی در کشورهای عرب‌زبان: تاریخچه و جریان‌های اصلی تا پایان دهه ۱۹۸۰». ترجمه لاله آتشی (۱۳۹۰)، ادبیات تطبیقی (ویژه‌نامه‌نامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی)، ۲/۲. پیاپی ۴. صص: ۱۳۷-۱۵۴.
- _____ ابراهیم، عبدالحمید (۱۹۸۶)، *الأدب المقارن من منظور الادب العربی، القاهرة: دارالاشروق*.
- _____ الخطیب، حسام (۱۹۸۳)، *الأدب المقارن (جزءان: ج ۱ فى النظریة و المنهج، ج ۲ تطبیقات)*، دمشق: منشورات جامعه.
- _____ المناصره، عزالدین (۲۰۰۵)، *النقد الثقافى المقارن؛ منظور جدلی تفکیکی*. الطبعة الاولى، عمان-اردن: دارمجدلاوی.
- _____ انوشیروانی، علیرضا (۱۳۸۹)، «ضرورت ادبیات تطبیقی در ایران»، ادبیات تطبیقی (ویژه‌نامه‌نامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی)، ۱/۱، پیاپی ۱، صص: ۶-۳۸.
- _____ باسنت، سوزان (۱۹۹۳)، «از ادبیات تطبیقی تا ترجمه‌پژوهی»، ترجمه صالح حسینی (۱۳۹۰)، ادبیات تطبیقی (ویژه‌نامه‌نامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی)، ۱/۲. پیاپی ۳. صص: ۷۱-۹۹.
- _____ جمال الدین، محمد السعید (۱۳۸۹)، «ادبیات تطبیقی: پژوهشی تطبیقی در ادبیات عربی و فارسی»، مترجم: سعید حسام‌پور و حسین کیانی، چاپ اول، شیراز: دانشگاه شیراز.
- _____ خضری، حیدر (۱۳۹۱)، «کتاب‌شناسی کتاب‌های نظری ادبیات تطبیقی در کشورهای عربی و ایران»، ادبیات تطبیقی (ویژه‌نامه‌نامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی)، ۲/۳. پیاپی ۶. صص: ۱۴۷-۱۷۸.
- _____ محسنی‌نیا، ناصر (۱۳۸۹)، «ادبیات تطبیقی، جایگاه و ضرورت‌ها»، مجله انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی. شماره ۱۴، صص: ۸۱-۱۰۲.

